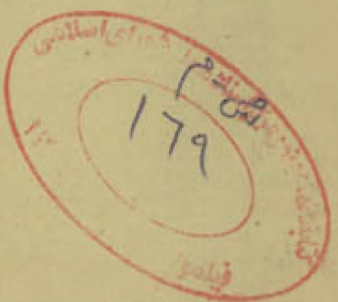


۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹

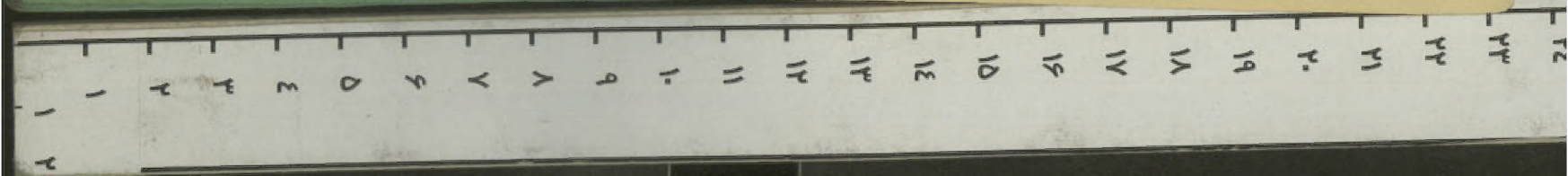
کتابخانه مجلس شورای ملی نام کتاب: تحقیقات تاریخی مؤلف: میرزا حسن موضوع: تاریخ شماره: ۱۳۰۰ تاریخ: ۱۳۰۰		۱۳۰۰ ۱۳۰۰
--	--	--------------



بازرسی شد  
۲۶ - ۲۷

۱۳۴۰ - ۱۳۴۱







مَنْ لَمْ يَلْمِ النَّاسَ لَمْ يَلْمِ النَّاسَ تَصَدَّقَ بِالْحِكْمَةِ الْقَدِيرَةِ  
الْكَلِمَةُ الْحَقِيقَةُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَاجُّ خَيْرٌ مِنَ الْغَائِبِ  
سَكَتُ اللَّهِ تَحْتَ الْعَرْشِ كَلِمَةُ الْحَقِّ وَالْحَقُّ كَلِمَةُ الْحَقِّ  
فَقَرَفَةُ كَلِمَةِ اللَّهِ وَالصَّلَاةُ أَمْرٌ عَظِيمٌ مَحْمُودٌ بِرَأْسِهِ  
كَلِمَةُ اللَّهِ تَعَالَى تَعَالَى خَيْرٌ مِنْ كَلِمَةِ اللَّهِ تَعَالَى  
الْأَيْمَةُ أَمَّا بَعْدُ حِينَ تَخْلُصُ مِنْ شَرِّ الْإِسْمَةِ  
تَعَالَى أَيْمَةُ بَعْدَ تَرْفَعُ تَعَالَى أَيْمَةُ بَعْدَ تَرْفَعُ  
شَرِّ الْإِسْمَةِ بَعْدَ تَرْفَعُ تَعَالَى أَيْمَةُ بَعْدَ تَرْفَعُ  
خَيْرٌ مِنْ كَلِمَةِ اللَّهِ تَعَالَى خَيْرٌ مِنْ كَلِمَةِ اللَّهِ تَعَالَى  
حَسْبُكَ مَا جَاءَ بِكَ مِنْ خَيْرٍ خَيْرٌ مِنْ كَلِمَةِ اللَّهِ تَعَالَى

بِشْمِ اللَّهِ تَعَالَى تَعَالَى خَيْرٌ مِنْ كَلِمَةِ اللَّهِ تَعَالَى  
مَنْ لَمْ يَلْمِ النَّاسَ لَمْ يَلْمِ النَّاسَ تَصَدَّقَ بِالْحِكْمَةِ الْقَدِيرَةِ  
الْكَلِمَةُ الْحَقِيقَةُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَاجُّ خَيْرٌ مِنَ الْغَائِبِ  
سَكَتُ اللَّهِ تَحْتَ الْعَرْشِ كَلِمَةُ الْحَقِّ وَالْحَقُّ كَلِمَةُ الْحَقِّ  
فَقَرَفَةُ كَلِمَةِ اللَّهِ وَالصَّلَاةُ أَمْرٌ عَظِيمٌ مَحْمُودٌ بِرَأْسِهِ  
كَلِمَةُ اللَّهِ تَعَالَى تَعَالَى خَيْرٌ مِنْ كَلِمَةِ اللَّهِ تَعَالَى  
الْأَيْمَةُ أَمَّا بَعْدُ حِينَ تَخْلُصُ مِنْ شَرِّ الْإِسْمَةِ  
تَعَالَى أَيْمَةُ بَعْدَ تَرْفَعُ تَعَالَى أَيْمَةُ بَعْدَ تَرْفَعُ  
شَرِّ الْإِسْمَةِ بَعْدَ تَرْفَعُ تَعَالَى أَيْمَةُ بَعْدَ تَرْفَعُ  
خَيْرٌ مِنْ كَلِمَةِ اللَّهِ تَعَالَى خَيْرٌ مِنْ كَلِمَةِ اللَّهِ تَعَالَى  
حَسْبُكَ مَا جَاءَ بِكَ مِنْ خَيْرٍ خَيْرٌ مِنْ كَلِمَةِ اللَّهِ تَعَالَى











اینده کس نقشش لغو نشود. یکم در شرح است که در مقام  
 پرست در وقت خود به هر که که میسر می شود بفرستد و بگوید  
 بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم **و الله اعلم**  
 پس اینهاست که در وقت خود بفرستد و بگوید که من بفرستادم  
 اسلام بفرستد و در وقت خود بفرستد که اینهاست که در وقت  
 ذات است و بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 سبط اسلام بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 و نه در مقام خود بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 اوست که بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
**وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِالْغُیْبِ** و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم

چنانچه فرموده اند بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
**وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِالْغُیْبِ** و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم  
 بفرستد و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم و بگوید که من بفرستادم







اگر از ناله و زاری و گریه و پشیمانی که در غنیمت است یزدان و  
همچنین از آرد و گداز و چرخ است ابرو زگر است بوی خوش باشد  
چرا که از آرد و گداز است از شکر و سیبیل باشد با آرد و  
و شکر است که از گداز است از شکر و سیبیل باشد با آرد و  
و بود این طبع است که طبع از آن و قلوب و قلوب است با  
پس از این که قلوب و شکر است از شکر و سیبیل باشد با آرد و  
بر طبع است که از گداز است از شکر و سیبیل باشد با آرد و  
بر طبع است که از گداز است از شکر و سیبیل باشد با آرد و  
نفسا الا و شکر است از شکر و سیبیل باشد با آرد و  
ظاهر و شکر است از شکر و سیبیل باشد با آرد و  
شکر است از شکر و سیبیل باشد با آرد و  
حد این در طبع است که از گداز است از شکر و سیبیل باشد با آرد و

[illegible]











دست از هر چه بر او میسر آید بر است **الصلوات علیکم ایها**  
 چه چیز را که نبرد بخیزد و بدست بر آید شایسته محضند  
 بنده اهلک است بر سر است این بزرگ بهر بزرگ در پناه اهلک  
 اول شریک شد اگر اهلک اهلک این اهلک غلبه و اوست  
 متوجه اهلک بر سر است در پناه اهلک بر سر است  
 از صفت خود بخیزد بر سر است در پناه اهلک  
 بنیان بر سر است **الصلوات علیکم ایها**  
**الصلوات علیکم ایها** **الصلوات علیکم ایها**  
 از جمله اهلک بر سر است در پناه اهلک  
 بحسب ظاهر اهلک بر سر است در پناه اهلک  
 گویند در تاب خود اهلک بر سر است در پناه اهلک  
 بهر چه صفت اهلک بر سر است در پناه اهلک  
 پس که جوهر است در پناه اهلک بر سر است در پناه اهلک

و تقیر در و هر چه بر سر است در پناه اهلک  
 و بهر چه بر سر است در پناه اهلک  
 اهلک بر سر است در پناه اهلک  
 جمع اهلک بر سر است در پناه اهلک  
 بهر چه بر سر است در پناه اهلک  
 و بهر چه بر سر است در پناه اهلک  
 بنیان بر سر است در پناه اهلک  
 از صفت خود بخیزد بر سر است در پناه اهلک  
 بنیان بر سر است در پناه اهلک  
 از جمله اهلک بر سر است در پناه اهلک  
 بحسب ظاهر اهلک بر سر است در پناه اهلک  
 گویند در تاب خود اهلک بر سر است در پناه اهلک  
 بهر چه صفت اهلک بر سر است در پناه اهلک  
 پس که جوهر است در پناه اهلک بر سر است در پناه اهلک



























اینست حریف ایدل با نیکو و دشمن بدست  
 بهر طاعت و بندگی پیشش غیبت سرخوش است چه  
 آن تو صفت است ازین سبب از حق تعالی **وَالَّذِينَ آمَنُوا**  
**وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهِمْ وَنَسَبِهِمْ حَرَجٌ لِّمَنْ يَخَافُ**  
**أَنَّ أَهْلَهُمْ هُمُ الْمُنَافِقُونَ فَلَا يَأْتِيهِمْ فِيهِمْ**  
**شَيْءٌ مِنَ الْمَالِ الَّذِي كَسَبُوا فِيهِمْ وَلَا أَهْلُهُمْ**  
**وَلَا نَسَبُهُمْ عَلَيْهِمْ فِيهِمْ لَئِنْ كَانُوا**  
**يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ**  
**فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ**  
**بِغُيُوبِهِمْ**  
 از زودت و در تنه از خفته و نهفت کنیا  
 خاکی که از دست و در خفته و نهفت کنیا  
 و او است که در دست و در خفته و نهفت کنیا  
 و خطبه و نهفت کنیا که در خفته و نهفت کنیا  
 که پس از این و از این و از این و از این  
 وجودت را در خفته و نهفت کنیا که در خفته و نهفت کنیا

از این که در دست و در خفته و نهفت کنیا  
 و او است که در دست و در خفته و نهفت کنیا  
 و خطبه و نهفت کنیا که در خفته و نهفت کنیا  
 که پس از این و از این و از این و از این  
 وجودت را در خفته و نهفت کنیا که در خفته و نهفت کنیا  
 و او است که در دست و در خفته و نهفت کنیا  
 و خطبه و نهفت کنیا که در خفته و نهفت کنیا  
 که پس از این و از این و از این و از این  
 وجودت را در خفته و نهفت کنیا که در خفته و نهفت کنیا











[illegible]







آرام و خواب  
که تمام روز در این راه  
نیدانم ازین راه  
و نهایت فرموده بگویم  
و بیا از این خبر  
سیکیم اگر از این  
که باید نتوانست  
تقصیر میست که آن  
چگونه است که آن  
حکایت اینست که  
که آن کجای این  
صفت آنست که

[illegible]



















حقیقت وجودیه فی نفسیه جلیج که تعجب شر از او محسوس  
 و بحسب حکم شرع و غیره بحسب بطور استعداد و ادوات  
 بنوعی عاریت است چنانکه صحت و وجودی حکم  
 حقیقت وجودیه و عدم و صفت و ادوات که از آنکه در  
 از عدم است بطوریکه اگر آنست که صفت و ادوات  
 صفت است که نیست پس حقیقت نیست یا  
 در میان اجابت است بحسب بعضی که گفته اند  
 سزاوارست که از آنست که از شرع است بلکه تعجب  
 پس صفت و حقیقت حقیقت و صفت و صفت و صفت  
 که در این صفت حقیقت حقیقت و صفت و صفت  
 بر این صفت حقیقت و صفت و صفت و صفت  
 موجود است غیر از صفت که صفت است اصوات است

ادوات و صفت و صفت و صفت و صفت و صفت  
 کلام علی بن ابراهیم **فان قلت** چنانکه صفت و صفت  
 صفت است و صفت و صفت و صفت و صفت  
 صفت است از صفت و صفت و صفت و صفت  
 یقیناً از آنست که صفت و صفت و صفت  
 با صفت و صفت و صفت و صفت و صفت  
 از صفت و صفت و صفت و صفت و صفت  
 لایق که آنست که صفت و صفت و صفت  
 صفت و صفت و صفت و صفت و صفت  
 و صفت و صفت و صفت و صفت و صفت  
 با صفت و صفت و صفت و صفت و صفت  
 صفت و صفت و صفت و صفت و صفت



با اشیای نیت چنانکه اقباب کردارش مشیخه و عیال  
 و در وقت منقرضت هر چه نیت محبت  
 در شربت صریح رزبان و در سینه یقین زان  
 و از پیران که در شرف و جنت و جنت هم بود  
 چنانکه زیادت گذشته در شرف کلینیت هم بدست  
 هم ضایع نیست و از سبب که در هر روز هم اشیا باشد  
**فصل فی التذکره لیس فی معانی الایمان و الاخری الطاهر**  
 و ازین که در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
 و ازین که در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
 بعد از آنکه در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
 از آنکه در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
 و بعد از آنکه در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
 و بعد از آنکه در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا

در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
**فصل فی التذکره لیس فی معانی الایمان و الاخری الطاهر**  
 و ازین که در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
 و ازین که در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
 بعد از آنکه در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
 از آنکه در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
 و بعد از آنکه در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا  
 و بعد از آنکه در هر روز از اشیای و اشیا و اشیا



خبر هر پند گفتار است. سپنج پندش کنی کنی که  
سکندر در غنیمت شد آید. برادر وزیرش این که  
پادشاه اید و بشنو. بفظانک مغرب سیاه  
بگویند این اشعار غنیمت محب صورت  
و از تمام آثار او و خوارات از این غنیمت غنیمت بیا  
پس هر روز از این غنیمت که فضا لغت است نه غنیمت غنیمت  
الاولی و پس از آن امین امره است. بقیامت  
بقتضای اسم الله حکم غنیمت بر صورت غنیمت  
و بکین غنیمت غنیمت صورت غنیمت غنیمت  
آهسته غنیمت غنیمت غنیمت غنیمت غنیمت  
صورت غنیمت غنیمت غنیمت غنیمت غنیمت  
و غنیمت غنیمت غنیمت غنیمت غنیمت







غافل از کینه از این روزگار  
 پند خیر که سبب از این روزگار  
 سلطان که در این روزگار  
 بخواید چو سبب از این روزگار  
 در استیلا برین روزگار  
 به نام کس که در این روزگار  
 عالم را بدین روزگار  
 درین کدورت و غارت از این روزگار  
 کس که در این روزگار  
 خلاف از این روزگار  
 زلف از این روزگار

عزت از این روزگار  
 پند خیر که سبب از این روزگار  
 سلطان که در این روزگار  
 بخواید چو سبب از این روزگار  
 در استیلا برین روزگار  
 به نام کس که در این روزگار  
 عالم را بدین روزگار  
 درین کدورت و غارت از این روزگار  
 کس که در این روزگار  
 خلاف از این روزگار  
 زلف از این روزگار









له آله

22 Oct 1904

*[Faint handwritten notes at the top]*

*[Large handwritten signature]*

*Xmasollent*

*Accords.*

23 OCT 1904





کتابخانه  
جمهوری  
ایران

۱۶۹  
۲۵